

# تأثیر پذیری شال‌های کشمیری از ایران

فریده طالب پور\*

سوسن خطایی\*\*

## چکیده

شال از منسوجات مهم کشمیر است که به عنوان بخشی از لباس مردم به کار می‌رود. در طی دوران مختلف شال بافی، روش‌های تولید و مواد اولیه آن تغییری نکرده است؛ اما نقوش شال تحت تأثیر حوادث تاریخی تحول یافته است. این امر به ایجاد طرح‌های جدید و گاه ناآشنا با سنت‌های بومی در شال‌های کشمیری منجر شده است. منشأ پیدایش شال بافی به طور دقیق معلوم نیست. برخی محققان معتقدند شال بافی کشمیر تحت تأثیر شال بافی در ایران به وجود آمده و گسترش یافته است. این تأثیر پذیری در دوره مغولان هند که ارتباط تنگاتنگی با صفویان در ایران داشتند، بیشتر شده است؛ به گونه‌ای که انواع نقش مایه‌های ایرانی در بافت شال‌های کشمیری به کار رفته است. تغییر و تحول نقوش از دوران مغول تا دوره سیک‌ها که بر کشمیر حکومت کردند، قابل بررسی است.

واژه‌های کلیدی: شال کشمیری، مواد اولیه، روش بافت، طرح و نقش.

## مقدمه

ایران گسترش یافته و سپس به کشمیر عرضه شده است. برخی دیگر هم بر این باورند که شال بافی از هند به ایران وارد شده و در آنجا توسعه یافته است (Dhamija & Jain, 1989: 71). به هر حال، روشن نیست که به طور دقیق از چه زمانی صنعت شال بافی در کشمیر شروع شده است؛ اما در قرن یازده میلادی شال در این ناحیه بافته می‌شد. توسعه صنعت شال بافی در کشمیر به قرون پانزده تا شانزده میلادی مربوط است. در کشمیر -که منطقه سرسبزی در هیمالیاست- شال بافی اهمیت زیادی دارد و از زمان‌های دور، تأثیر هنر ایران بر نقوش، مواد اولیه و روش‌های بافندگی آن دیده می‌شود (Andrew, 2008). در طول حوادث تاریخی، ایالت کشمیر حکومت‌های مختلفی از جمله مغولان، افغان‌ها و سیک‌ها را به خود دیده است که هر یک تأثیراتی بر روند شال بافی آن داشته‌اند. مغولان گورکانی در سال ۱۵۸۶ م حکومت کشمیر را در دست گرفتند. هنر شال بافی تحت حمایت آن‌ها شکوفا شد و رشد کرد؛ به گونه‌ای که انواع شال به وفور در کارخانه‌های درباری تهیه می‌شد. به تدریج شیوه بافت شال‌های کشمیری گسترش یافت و بافندگان انگلیسی و فرانسوی از آن‌ها تقلید کردند (Askari, 1999: ۲۹). در زمان اکبر شاه در ایالت کشمیر، ۲ هزار کارخانه شال بافی وجود داشت؛ بنابراین، اهمیت شال بافی در این دوره کاملاً روشن است. لباس مورد علاقه اکبر شاه شال پشمی بود که با کرک بزهای بومی هیمالیا تهیه می‌شد. این علاقه مندی شاید از زمان اقامت او در لاهور و کشمیر به وجود آمده بود. شال‌های اکبر شاه تزئینات زیادی

از زمان‌های قدیم، هندوستان به عنوان مرکز مهم تولید منسوجات نفیس معروف بود؛ اما در دوره گورکانیان بافت پارچه‌های تجملی رو به گسترش نهاد. در طول تاریخ، گروه‌های زیادی از مردم مناطق جهان به هند مهاجرت کردند که بر تغییرات هنری و فرهنگی آن سرزمین مؤثر بود. تعدادی از این مهاجران از مردم آسیای مرکزی بودند که از نظر شرایط آب و هوایی با هند متفاوت است. نوع لباس‌های آن‌ها نیازمند پارچه‌های سبکی در آب و هوای گرم هند بود؛ بنابراین، روش تهیه منسوجات در هند دچار تغییراتی شد.

هند در طول قرن‌ها، تولیدکننده منسوجات پنبه‌ای، پشمی و ابریشمی بوده است. از پارچه‌های بسیار معروف هند می‌توان شال کشمیری را نام برد. شال (Shwal) پارچه‌ای است که روی سر و دور شانه‌ها می‌افند و زنان و مردان از آن به عنوان بخشی از لباس سنتی خود استفاده می‌کنند. این واژه از کلمه ایرانی شال (Shal) گرفته شده است که به معنای پارچه پشمی نازک است (Pathak & Janseen, 2003: 7) در هندوستان شال‌ها از جنس پشم، ابریشم یا پنبه تهیه می‌شود که انتخاب مواد اولیه به آب و هوا و موقعیت اجتماعی مصرف‌کننده آن بستگی دارد.

شال بخشی از لباس سنتی مردم منطقه کشمیر است و شاید شال بافی در زمان آشنایی مردم هند با ایران وارد این سرزمین شده است. پژوهشگران نظریات متفاوتی را دربارهٔ مبدأ پیدایش شال بافی در هند ابراز می‌کنند. برخی معتقدند این شیوه در

\* دانشیار دانشکده دانشگاه الزهرا (talebpour@alzahra.ac.ir)

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی - دانشکده معماری و شهرسازی

داشت. او دستور می داد شال‌ها را به صورت جفت‌هایی به هم بدوزند؛ به گونه‌ای که حاشیه پشت آن‌ها نمایان نشود. صنعت شال بافی در ایالت کشمیر در این دوره رشد کرد و همچنین در اروپا متقاضیان فراوانی یافت (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۵). بر اساس شواهد تاریخی، در قرن پانزده میلادی زین العابدین، حکمران کشمیر، هنر شال بافی را مورد حمایت قرار داد. در این زمان، تعداد زیادی از هنرمندان برای نشان دادن مهارت‌های هنری خود از مناطق دیگر به کشمیر مهاجرت کردند تا تحت حمایت حکمران قرار گیرند. در این دوره، انواع منسوجاتی که در نقاط مختلف تولید می‌شد، در کشمیر هم بافته می‌شد. تولید شال از حمایت دربار مغول و فرمانروایان محلی نیز برخوردار بود. با شکست مغولان هند تعداد زیادی از بافندگان بیکار شدند؛ اما به علت تقاضای اروپا برای پارچه‌های هندی و از جمله شال، تولید آن همچنان ادامه یافت.

پس از مغولان، افغان‌ها بر کشمیر حاکمیت یافتند. آن‌ها نیز به شال و تجارت آن، که منبع درآمد سرشاری بود، علاقه مند بودند. در این دوره، شال‌ها و سایر پارچه‌های پشمی با تغییرات زیادی در طرح و نقش و رنگ روبه‌رو شد. حکمرانان افغان مالیات زیادی را برای تولید شال‌های بافته شده که به "کانیکار" (Kanikar) معروف بود، مقرر کرده بودند و بافندگان شال به ناچار آن را می‌پرداختند. این فشار اقتصادی موجب شد شال بافان از شیوه گلدوزی برای ایجاد طرح و نقش در شال‌ها استفاده کنند؛ بنابراین شال "آملیکار" (Amlicar) به وجود آمد. طرح این شال‌ها مانند شال‌های کانیکار بود و فقط با گلدوزی نقوش روی پارچه ایجاد می‌شد و از سوی دیگر مالیات سنگینی را نیز برای بافندگان در پی نداشت. با گسترش این روش، شیوه‌های گلدوزی شال‌ها نیز توسعه زیادی یافت. پس از افغان‌ها، حکمرانان سیک امور کشمیر را به دست گرفتند و تولید شال در این دوره اهمیت زیادی پیدا کرد. در این زمان، نقش مایه‌ها تحت تأثیر مدهای اروپایی قرار گرفت و تأثیرات سبک اسلامی کمتر شد و در نتیجه کاربرد طرح‌های هندی-اسلامی کاهش یافت. در این دوره، اندازه، طرح، رنگ و روش تهیه شال کم‌کم تغییر کرد.

زنان اروپایی به شال‌های کشمیری علاقه مند بودند و در قرن هفده میلادی شال‌هایی که طرح آن‌ها مطابق با سلیقه بازار اروپا بود، به آنجا صادر می‌شد (Strong، ۱۹۹۹: ۱۱۹). محبوبیت شال‌های کشمیری در پایان سده هجده میلادی بافندگان انگلیسی و فرانسوی را واداشت که از آن‌ها تقلید کنند؛ بدین ترتیب شال‌هایی شبیه به شال‌های کشمیری در انگلستان، اسکاتلند و فرانسه تولید شد (Pathak & Janseen، ۲۰۰۳: ۱۹). در اواخر قرن نوزده میلادی، رکود شال بافی آغاز شد؛ زیرا شال‌هایی با سبک هندی با بافندگان اروپایی در پیزلی (Paisley)، لیون (Lyon) و وین (Vienna) تهیه می‌شد. در این بین، بافندگان هندی برای رقابت با این موج تازه، میزان تولیدات خود را افزایش دادند که در نهایت به پایین آمدن کیفیت

شال‌ها از سطح استاندارد خود منجر شد. از سوی دیگر، با تغییر مد لباس در غرب، زنان اروپایی دیگر از شال‌های کشمیری استفاده نمی‌کردند (Strong، ۱۹۹۹: ۱۲۲). همچنین با استفاده گسترده از دستگاه بافندگی ژاکارد در اروپا، که میزان تولید را افزایش می‌داد، تولید انحصاری شال کشمیری مورد تهدید قرار گرفت و سرانجام به تنزل تولیدات بومی هند منجر شد، (Gillow & Barnard, 1999: 12).

### فرایند شال بافی

برای شروع کار شال بافی، زنان الیاف مورد نیاز را از بازار تهیه می‌کنند تا با آن نخ بریسند. در ابتدا الیاف شسته و سپس به نخ تبدیل می‌شود. در مرحله بعد نخ‌ها برای رنگرزی به استاد رنگرز تحویل داده و پس از پایان رنگرزی، نخ‌های تار و پود شال آماده می‌شود. نخ‌های تار با آب برنج آهار داده می‌شود و برای تارهای قسمت حاشیه نخ ابریشم به کار می‌رود. حاشیه‌ها روی دستگاه بافندگی دیگری بافته می‌شود و سپس توسط گلدوزان ماهری به نام رفوگر روی شال اصلی دوخته می‌شود. نخ‌های تار روی دستگاه بافندگی قرار می‌گیرد و کارگران قرقره‌های نخ‌های پود را تهیه می‌کنند. استاد بافنده با استفاده از قرقره‌های چوبی (Tojis)، که نخ‌های پود رنگی دور آن‌ها پیچیده شده است، طرح مورد نظر را، که طراح آماده کرده، می‌بافد. قرقره‌ها از لایه لایه نخ‌های تار حرکت می‌کند و هر قرقره رنگ خاصی را می‌بافد. در این مرحله قرقره‌های دیگری روی سطح پارچه قرار می‌گیرد تا بعدها در محل مناسبی بافته شود. بافتن شال با این روش فرایندی طولانی و آهسته است. در پایان، شال بافته شده برای از بین بردن پرزهای سطحی به استاد پرزگر (Purusgar) تحویل داده و سپس برای فروش به بازار فرستاده می‌شود.

(Dhamija & Jain، 1989 : 68 ; Gillow & Barnard, 1999: 115)

شیوه بافت شال کشمیری کچ راه (۲ × ۲) با بافت تاپستری است که با نخ‌های پود غیر مداوم بافته می‌شود. نخ‌های پود که طرح را می‌سازند، تمام عرض پارچه را طی نمی‌کنند. شاید این روش از شیوه سوماک بافی (Soumak) در آسیای میانه اقتباس شده است (Dhamija & Jain، ۱۹۸۹: ۱۸)

### مواد اولیه شال بافی

شال‌های زیبا و جذاب کشمیری نتیجه تلاش بافندگان در رنگ‌بندی، طراحی و تزئین آن‌هاست. منبع اصلی تهیه الیاف برای شال بافی، نوعی بز است که کیفیت کرک آن به آب و هوا و ارتفاع منطقه زیست حیوان بستگی دارد. موقعیت جغرافیایی ایالت کشمیر که در شمال غربی هند قرار گرفته، در تولید الیاف نرم و ظریف حیوانی مؤثر است. بز که در نواحی سردتر و ارتفاع بیشتر پرورش می‌یابد، الیاف ظریف‌تری دارد. الیاف ظریف از دو نوع حیوان به دست می‌آید: بز کشمیری اهلی (Capra Hircus) و بزهای غیر بومی. الیاف حاصل از



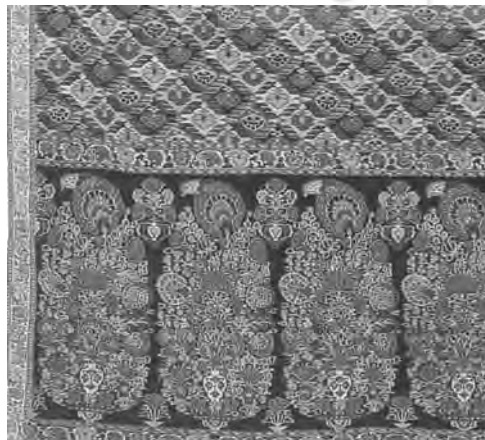
تصویر (۱): طرح شال کشمیری در دوره مغولان



تصویر (۲): فرم بته در قرن ۱۶ میلادی



تصویر (۳): فرم بته در



تصویر (۴): طرح شال کمبری کشمیری در دوره افغان

بز غیر اهلی را "اصلی توش" (Asli Tus) می نامند که از بز کشمیری وحشی و بز بومی تبتی به دست می آید و الیاف ظریفی دارد (Gillow & Barnard ، ۱۱۵: ۱۹۹۹). به طور کلی، این حیوانات دو نوع الیاف دارند: داخلی و خارجی. پوشش خارجی حیوان شکننده است؛ در حالی که لایه داخلی الیاف ظریف و نرم است. از پوشش خارجی در تهیه پارچه استفاده نمی شود. رنگ الیاف هم به رنگ کرک بز بستگی دارد (Pathak & Janseen ، ۲۰۰۳: ۲۷). ظریف ترین شال از الیاف اصلی توش تهیه می شود. الیاف شاه توش (tus-Shah) (پشم شاهی) هم از بز کوهی به دست می آید و شالی که از آن تهیه می شود به قدری ظریف است که از داخل حلقه انگشتی به راحتی می گذرد. این شال ها از ظریف ترین، سبک ترین و گرم ترین کرک های دنیا تهیه می شوند و بسیار گران هستند. گاهی در بافت شال از ابریشم هم استفاده می شود.

### طرح و نقش شال های کشمیری

شال های کشمیری با طرح بته (Buta) (در هندی به معنای گل است) شناخته می شدند. این نقش در حین کاربرد اسامی مختلفی یافته است؛ مانند مخروط پیزلی (paisley) میوه کاج (pinecone) و انبه (Mango). نقش شال های کشمیری در دوره مغول به صورت گیاه گلدان و ریشه داری بود که گل های تجریدی داشت (شکل های ۱ و ۲) (Ames ، ۲۰۰۴: ۸۴). این نقش کم کم در دوره افغان ها به طرح دسته ای از گل های افشان کاجی شکل تغییر کرد. در این دوره، طرح بته کاملاً تجریدی شد و گل های تک و منفرد به دسته گل تبدیل شدند و انواع گل های زعفران، همیشه بهار و گل سرخ ظاهری نیمه واقعی یافتند. در دوره افغان ها بته مخروطی ظهور کرد که در معماری ایرانی نیز این عنصر دیده می شود و ممکن است این شکل مخروطی از هنر ایران اقتباس شده باشد. بنابر این، بته مخروطی که حاصل تغییر در شکل گل بته در اواخر قرن هجده و نوزده میلادی است، اصل و منشأ ایرانی دارد. یکی دیگر از طرح های این دوره، جایگزینی یک قطعه از گیاه با ترکیبی از انواع گل ها همراه با گلدان است که شکل گلدان نیز تحت نفوذ هنر چین تغییر کرده است. گلدان ها تعداد زیادی گل را شامل می شدند که بعدها اندازه آن ها کوچک تر شد و بیشتر حالت تزئینی یافتند (شکل های ۳ و ۴). (Ibid, 98)



زنجیره تزئینی و کنگره از نوع ایرانی در هنر هند نیز دیده می‌شود. مهاجرت هنرمندان و صنعتگران و روابط بازرگانی و سیاسی در دوران باستانی ایران و پس از آن، زمینه مناسبی را برای ورود هنر ایران به هند ایجاد کرد؛ در نتیجه عناصر هنر ایرانی در هنر هند وارد شد. پس از ورود اسلام به هند، در دوره گورکانیان هنر اسلامی گسترش یافت. تحولات هنری با مهاجرت تعدادی از صنعتگران و بافندگان ایرانی به دربار مغولان هند که از هنر سرشار ایرانی الهام می‌گرفتند، ایجاد شد. در این دوره، از طرح‌های ایرانی در معماری، مینیاتور، خاتم‌سازی، قالی‌بافی و پارچه‌بافی به وفور استفاده شده است. حضور هنرمندان ایرانی نظیر میر سیدعلی و عبدالصمد که از پیروان مکتب بهزاد بودند، تأثیرات زیادی بر روند تحولات هند در دوره مغولان گذاشت. مغولان هند روابط سیاسی و فرهنگی نزدیک و مناسبی با صفویان در ایران داشتند. "هم‌دوره با صفویان کارگاه‌های بافندگی دو شهر مدرس و ماسولی پاتنام- در ساحل غربی خاک هندوستان- به ترغیب امپراتور اکبر گورکانی پارچه‌هایی نخی تولید می‌کردند که با اقتباس از طرح‌ها و بن‌مایه‌های ایرانی و احتمالاً به همت دسته‌ای از پیشه‌وران ایرانی، برای بازار ایران تدارک دیده شده بود." (فریه، ۱۳۷۴: ۱۶۸).

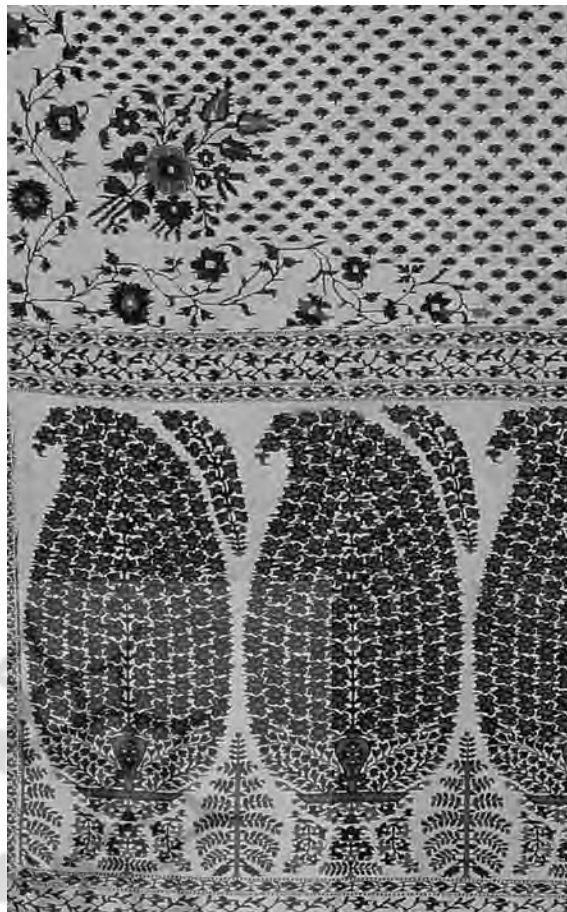
"آغاز صنعت بافندگی در هند به زمان‌های بسیار قدیم منتهی می‌شود. منسوجات مغولی تحت نظر دربار بافته و روی آن‌ها ترکیبی از تعبیرات ایرانی و هندی دیده می‌شد. هندی‌ها برخی از شیوه‌های بافندگی ایران را اقتباس کردند و مانند قالی‌بافی گاهی از معلمان خود نیز پیش‌اقتادند." (دیماند، ۱۳۶۵: ۲۵۴-۲۵۵). در میان بافندگان هندی

نیز پارچه‌بافانی از مراکز مهم پارچه‌بافی ایران، مانند یزد و شوش یا از آسیای مرکزی مانند بخارا، سمرقند و کاشغر در کارگاه‌های شاهی مغولان فعالیت می‌کردند تا پارچه‌های نفیس تولید کنند. بر اساس نوشته‌های ابن بطوطه، بافندگان ابریشم خوزستانی در کارگاه سلطان دهلی کار می‌کردند و شیوه‌ها و طرح‌های آن‌ها بر بافته‌های هندی تأثیر می‌گذاشت (Agrawal, 2003: 11).

شال‌های پشمی ایران و هند که به آن‌ها شال کشمیر می‌گویند، از زیباترین پارچه‌های بافته‌شده هستند. نمونه‌هایی از شال‌های ایرانی- هندی از قرن هجده میلادی برجا مانده است که مشابهت‌هایی با هم دارند و



تصویر (۶): فرم بته در دوره سیک ۱۸۷۰م



تصویر (۵): تأثیر اروپایی‌ها بر نقوش شال در دوره افغان

در دوره سیک‌ها، تأثیرات اروپایی نمایان شدند و طرح‌های شال از ذوق فرانسوی‌ها و اروپایی‌ها متأثر شد (شکل ۵). در این زمان، کاربرد طرح‌های هندی- اسلامی کاهش یافت و شال‌ها دیگر بیشتر مدهای جدید اروپایی را نمایش می‌دادند. اروپایی‌ها، به ویژه فرانسوی‌ها بر طرح و نقش شال‌های کشمیری تأثیر گذاشتند؛ به گونه‌ای که در سال ۱۸۵۰م شرکت‌های فرانسوی طرح و رنگ شال‌های کشمیری را برای بافندگان تعیین می‌کردند. طرح بوته در این دوره به صورت مخروطی که در ایران و روسیه رایج بود، به کار می‌رفت. شکل این نقش مایه در دوره سیک‌ها از مخروط کوچک پهن به یک انحنای کشیده تبدیل شد (شکل‌های ۶ و ۷). بته شکل کشیده‌ای یافت و به شکل جواهری درآمد که اشراف ایرانی و هندی آن را در تاج یا سربند خود استفاده می‌کردند که به آن جقه (Jigeh) می‌گفتند.

### تأثیر ایرانیان بر طرح‌های شال کشمیری

بین نقش‌مایه‌های تزئینی ایرانی و هندی در آثار دوره باستان شباهت‌های فراوانی وجود دارد. نقش‌مایه‌هایی همچون درخت زندگی، درخت نخل، انواع گل‌ها مانند نیلوفر آبی،



تصویر (۸): ترمه بندی کشمیری با طرح صفوی



تصویر (۷): طرح شال در دوره سیک

شامل تقسیم بندی زیر می شوند:  
- شال چهارقدی یا شال مربعی با طرح گل و حواشی باریک. گاهی ترنج بزرگی در وسط دارد که یک چهارم آن نیز در گوشه ها دیده می شود.

- شال کمر بند که پارچه بلند و باریکی با چهار حاشیه طولی و یک حاشیه عرضی در یک طرف آن است.

- شال بندی که نقشه ای شبیه لانه زنبور دارد و داخل هر خانه یک گل یا بته بافته می شود (شکل ۸).  
- شال محرمات که راه های آن دارای پهنای متفاوتی است (شکل ۹) (عناویان، ۱۳۵۴: ۲۱).

### مشابهت نقوش شال های کشمیری با نقوش ایرانی

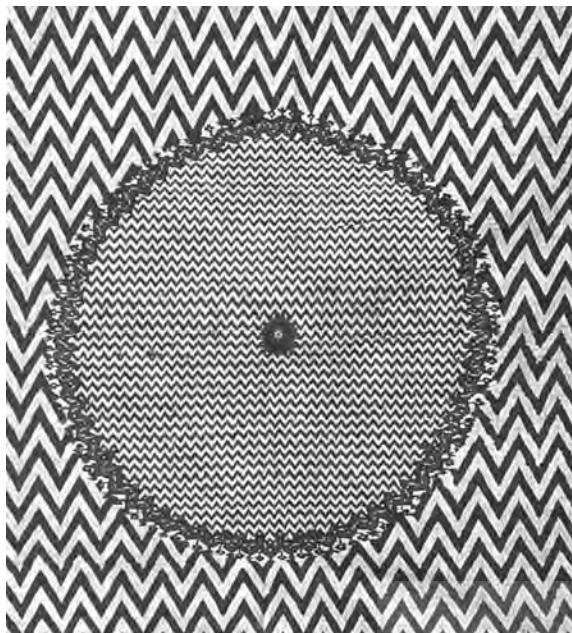
نکته مهم در بررسی طرح های شال، تاریخ تحول آن هاست. در تولید شال های کشمیری تغییرات اساسی در فنون بافت، مواد اولیه و رنگ های آن از دوره مغول تا هنرمندان دوره سیک ایجاد نشده است. در تحول نقش ها نیز با بررسی اجزای طرح ها می توان به تغییرات آن ها پی برد. مغولان به جامعه اسلامی اعتقاد داشتند و هنر آن ها بسیار به هنرمندان ایرانی وابسته بود. آن ها در طراحی های خود از ترکیب گل های واقعی، اسلیمی های تجریدی، طرح های هندسی و خوش نویسی استفاده می کردند.

در تأثیر پذیری شال بافی کشمیر از بافندگی ایران همین بس که لغات

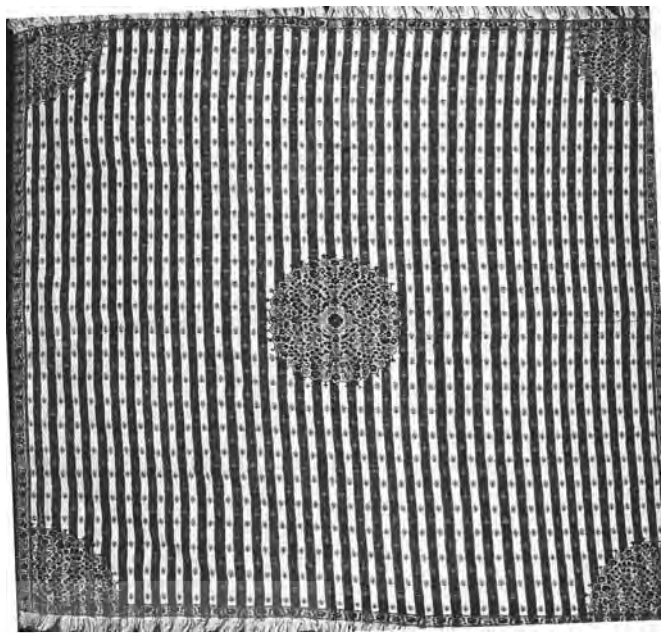


تصویر (۹): ترمه محرمات کشمیری با طرح





تصویر (۱۱): شال ماه زیگزاگ - قرن هجده میلادی

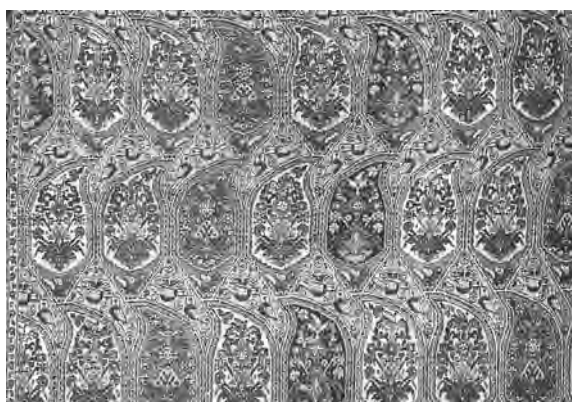


تصویر (۱۰): شال ماه لچک و ترنج و راه راه

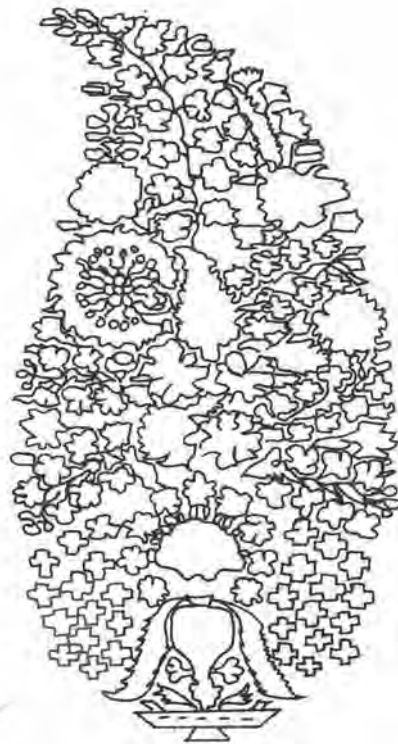
گیاهان با پرندگان و درخت زندگی از نقوش رایج ایرانی است که به وفور به کار رفته است. یکی از آرایه‌هایی که در طول هزاران سال در هنرهای ایرانی کاربرد داشته، نگاره معروف به بته/بته جقه است. این نقش در انواع هنرهای ایران نظیر قالی، قلمکار، مینیاتور، تذهیب و کاشی به کار رفته و از نقش مایه‌های اصلی در شال است. در آثار هنری هند تا قبل از قرن شانزده میلادی اثری از این نقش مایه به دست نیامده است. این آرایه که نقش مایه اولیه و اصلی شال است، اولین بار در دوره سلاطین مسلمان، به ویژه سلطان زین العابدین در شال بافی کشمیر به کار رفت. سلطان زین العابدین طرح‌های تزئینی را از ایران به کشمیر برد و صنعت شال بافی کشمیر هنگامی رونق گرفت که بافندگان ایرانی به

فنی شال بافی در کشمیر اغلب فارسی هستند و از این کلمات در کرمان، یزد و خراسان نیز استفاده می‌شود؛ مانند حاشیه (hashieh)، زنجیری (zanjiri)، بوته (Boteh) (هر بوته سه قسمت دارد: پایه، شکم و سر)، بوته کج (Boteh kaj)، نقش ریز بوته (Reezboteh)، طرح محرمات (Moharamat)، طرح مارپیچ (Marpeech)، دو گل، سه گل، چهار گل و برگ بید، (Dhamija & Jain, 1989: 76) به یقین، هنرمندان هندی از نقوش ایرانی الهام می‌گرفتند. این مسئله با مهاجرت تعدادی از صنعتگران ایرانی به دربار مغولان هند نمود بیشتری یافت.

با بررسی نقوش می‌توان دریافت که نقش مایه‌های شال‌های کشمیری از تنوع فراوانی برخوردار است. این نقش مایه‌ها اغلب شامل نقش مایه‌های تزئینی، نقش مایه‌های گیاهی و نقوش هندسی است. نقش مایه‌های تزئینی مانند خطوط مستقیم و زیگزاگ است. طرح متداول زیگزاگ که نمادی از امواج آب است، در نوعی شال زیگزاگ ماه دیده می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر ایرانیان بر سبک مغول است. این طرح روی منسوجات و معماری ایرانی هم دیده می‌شود (شکل ۱۰) (Pathak & Janseen, 2003: 54). نوعی شال با نام شال ماه تولید می‌شود که زمینه‌ای ساده و یک ترنج دایره‌ای در مرکز دارد و یک چهارم ترنج در چهار گوشه آن دیده می‌شود. این طرح در آثار ایرانی، به ویژه قالی با نام لچک و ترنج معروف است. نمونه‌ای از آن در شکل شماره یازده دیده می‌شود. نقوش گیاهی در برگرفته نقش مایه‌هایی چون انواع بته گل (چند گل یا تک گل)، انواع بته جقه، ساقه‌های گردان و همچنین اسلیمی هاست. در شال‌های کشمیری نقش ردیف



تصویر (۱۲): قالی با طرح بته جقه کرمان قرن هجده میلادی



تصویر (۱۳): فرم بته قجری قرن هجده میلادی

کشمیر مهاجرت کردند. معمولاً درون بته جقه ها را با نگاره های گوناگون مانند گل، اسلیمی و بته جقه کوچک آرایش می کنند. آثار نمایان نقش مایه بته در هنرهای ایرانی پیش از اسلام و بعد از آن فراوان است. شکل اولیه آن به صورت بال هما و سیمرخ در هنر هخامنشی دیده می شود. در دوره اسلامی نیز دامنه کاربرد آن گسترش می یابد؛ به گونه ای که در دوره صفویان بر قالی های درباری دیده می شود.

هنرمندان ایرانی نه تنها نقش ها و طرح های تازه ای به شال کشمیر ارزانی داشتند، بلکه شال بافان هندی را با شیوه هایی آشنا کردند که در بافته های هندی سابقه نداشت (پرهام، ۱۳۸۴: ۸-۱۲). "در زمان صفویان با توجه به تأثیر هنر ایران بر هنر هندی نگاره بته جقه همراه با نقش های قالی و شال ایرانی به هند رفت و بافندگان شال در کشمیر از این نگاره برای آرایش بافته خود بهره گرفتند و شال کشمیری با نقش بته جقه به ایران آمد و بته جقه ایرانی به بته کشمیری و بته ترمه معروف شد." (وکیلی، ۱۳۸۲: ۷۰).

از طرح های رایج در شال هندی، طرح اسلیمی است که دور بوته ای پیچیده شده باشد. هنرمندان ایرانی این طرح را در طول قرن ها در قالی های اصفهان و شیراز به کار برده اند و از سوی دیگر طرح های قالی مانند انواع گل ها و نخل نیز راه خود را در صنعت شال بافی باز کرده اند. یکی از طرح های معروف شال در دوره افغان، بته قجری است؛ زیرا شبیه بته در نقاشی های دوره اولیه قاجار است (شکل ۱۳). در این دوره شال کشمیری اهمیت زیادی در ایران داشت؛ به ویژه در دوره فتحعلی شاه قاجار ارزش فراوانی داشت و ایرانی ها از آن به عنوان لباس و شال کمر استفاده می کردند.

## نتیجه گیری

شال های پشمی ایران و هند که به آن ها شال کشمیری می گویند، از زیباترین پارچه هایی هستند که به دست بشر بافته شده اند. تاریخ بافت شال کشمیری که با تاریخ نساجی پارچه های پشمی در این کشور مربوط است، تاریک است و مستندات روشنی در این مورد وجود ندارد. برخی توسعه آن را در دوران حکومت زین العابدین، حکمران کشمیر، دانسته اند که بافندگان ترکستانی را به کشمیر آورد و این صنعت را گسترش داد. برخی دیگر نیز بافندگان شال ها را مهاجرانی از ایران و آسیای میانه دانسته اند که بافت شال را در کشمیر پایه ریزی کردند. اما در هر صورت روشن است که صنعت شال بافی کشمیر قدیم تر از قرن پانزده میلادی است. شال کشمیری از قرن پانزده میلادی به بعد در طی سه قرن گسترش یافت و در دوران مغول، افغان و سیک تحت تأثیر حوادث تاریخی قرار گرفت.

صنعتگران مغول به هنرمندان ایرانی نظر داشتند؛ زیرا دیدگاهی اسلامی داشتند. در این دوره، بافت شال با استفاده از طرح های ایرانی رونق بیشتری یافت. این تولیدات به دنبال صنعتی شدن نساجی در اروپا و تغییر مد لباس در غرب رو به ضعف گذاشت. جلوه های آشکار تأثیر ایران بر شال های کشمیری، با مرور نقش ها و طرح های آن ها نمایان می شود.

سابقه طولانی هندوستان در زمینه پارچه بافی و نیز نزدیکی سلیقه و ذائقه هنری دو کشور ایران و هند، زمینه ساز خوبی برای ارتباط هنری بین دو کشور و بالندگی و شکوفایی آن بوده است. آنچه قطعی به نظر می رسد این است که فنون اساسی بافت و نوع مواد اولیه در شال بافی طی قرن های طولانی تغییری نکرده است؛ اما در زمینه طراحی و نقوش کاربردی تغییراتی تحت تأثیر حوادث تاریخی به وجود آمده که به برخی از ذوق آزمایی های هنرمندان و صنعتگران منجر شده است. همین ذوق آزمایی های هنرمندان و بافندگان شال، تنوع بدیعی ایجاد کرده است که جلوه های متمایزی را از نقوش در دوران مختلف ارائه می کند.

## منابع

- ۱- برنند، باربارا، (۱۳۸۳)، هنر اسلامی، مترجم مهناز شایسته فر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
- ۲- پرهام، سیروس، (۱۳۸۴)، "از سرو تا بته"، فرش دستباف ایران، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، صص ۸-۱۳.
- ۳- دیمانند، س. م. (۱۳۶۵)، راهنمای صنایع اسلامی، مترجم عبدالله فریار، علمی و فرهنگی، تهران.
- ۴- عناویان، رحیم و ژرژ عناویان، (۱۳۵۴)، ترمه های سلطنتی ایران و کشمیر، مؤسسه انتشارات سن شرکو توسیکاتسوشا، ژاپن.
- ۵- فریه، ر. دبلیو، (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، مترجم پرویز مرزبان، نشر و پژوهش فرزبان.
- ۶- وکیلی، ابوالفضل، (۱۳۸۲)، شناخت طرح ها و نقشه های فرش ایران و جهان، نقش هستی، تهران.

- 7- Agrawal, Yashodhara, (2003), Silk Brocade, Lustre Press, Roli Books, New Delhi, India.
- 8- Askari, Nasreen, (1999), Liz Arthur. Uncut Cloth, Merrell Holborton Publishers, London.
- 9- Dhamija, Jasleen & Jyotindra Jain, (1989), Hand Woven Fabrics of India, Main Publishing PVT Ltd, Ahmedabad, India.
- 10- Pathak, Anamika & Roli Janseen, (2003), Pashmina, Lustre Press, Roli Books, India.
- 11- Strong, Susan, (1999), The arts of the Sikh Kingdoms, Victoria & Albert Museum, London.
- 12- Gillow, John & Nichola Barnard, (۱۹۹۹), Traditional Indian Textiles, Thames and Hudson Ltd, London.
- 13- Ames, Frank, (2004), The Kashmir Shawl, Antique Collectors' Club Ltd, U.K.
- 14- Andrew, Meg, (2008) Beyond the Fringe, [www.victoriana.com/library/paisley/shawl.html](http://www.victoriana.com/library/paisley/shawl.html)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی